تحلیل ابعاد بیانیه گام دوم انقلاب در گفت‌وگو با دکتر منوچهر محمدی، تحلیلگر و نظریه‌پرداز سیاسی

گام دوم، دوران خروج انقلاب از حالت تدافعی است

تحول علوم انسانی را با انگ ایدئولوژی زدگی خاموش می‌کنند

علی پوردهقان | جوان

حسن فرامرزی

دکتر منوچهر محمدی را می‌توان ارتش یک نفره نامید، کهنه سرباز ۸۲ ساله‌ای که همچنان با چشمانی تازه و هشیار در سنگر ایستاده است. او دکترای مطالعات بین‌الملل از دانشگاه کارولینای جنوبی امریکا دارد، با این حال با شروع انقلاب اسلامی به مفهوم واقعی کلمه خود را وقف انقلاب کرده است. به قول خود ذوجنبتین است، از یک زاویه پژوهشگر و تئوریسین در تحلیل انقلاب اسلامی و از زاویه‌ای دیگر یک چهره اجرایی که از فرمانداری خرمشهر تا استانداری سیستان و بلوچستان و معاونت وزارتخانه‌های متعدد را در کارنامه خود دارد. با او درباره بیانیه گام دوم انقلاب سخن گفته‌ایم، اگرچه در خلال صحبت‌هایمان ناگریز رویدادهای این چهل و اندی سال هم مرور شده است.

محوریت بحث ما درباره گام دوم انقلاب است که رهبری سه سال پیش در چهلمین سال پیروزی انقلاب مطرح کردند. معنادار هم بود، عدد ۴۰ انتظار پختگی و فرو نشستن هیجان‌ها و التهاب‌ها از یکسو و نگاهی به راه طی شده از سوی دیگر است. از نگاه شما چه ضرورتی باعث طرح گام دوم انقلاب شد؟

اگر بخواهم تحلیل کلی درباره بیانیه گام دوم داشته باشم می‌توانم بگویم حضرت آقا سه دوره را در این بیانیه مطرح می‌کنند؛ یک دوره قبل از انقلاب که واقعاً در این دوره چه شرایطی داشتیم یا ما چه بودیم، مبحث دوم ایشان این بود که ما در این ۴۰ سال بعد از پیروزی انقلاب چه شدیم و سوم چه خواهیم شد.

فراز مهمی از این بیانیه در حقیقت نوعی مرور تاریخی بود بر دوره چهل ساله قبل از انقلاب، دوره رژیم طاغوت. می‌دانید که محمدرضا شاه ۳۸سال حکومت کرد. من جزئیات این دوره را در کتاب «انقلاب اسلامی، زمینه‌ها، پیامدها و دستاوردها» آورده‌ام. این کتاب دو سال پیش از طرف «سمت» منتشر شد و امروز به جای کتاب «تحلیل انقلاب اسلامی» تدریس می‌شود.

در گام دوم انقلاب، حضرت آقا دقیقاً این مباحث را مطرح کردند که ما در دوره پهلوی کاملاً تحت سلطه بودیم، توجه کنید که امروز مدام می‌خواهند آن دوره را احیا و بزک کنند به ویژه برای نسل جوانی که آن دوره را درک نکرده و ندیده است. آقا فرمودند ما کشور تحت سلطه بودیم. در دوره پهلوی‌ها ما هیچ کاره بودیم و همه کاره انگلیس و امریکا بود و ایران ابزار قدرت این دو در منطقه بود و اواخر به عنوان ژاندارم منطقه تعیین شده بود، حتی اخیراً هم در صحبت‌شان با افسران نیروی هوایی اشاره کردند که ارتش ما که ژاندارم منطقه شده بود علیه ملت‌های دیگر، به نفع امریکا و انگلیس در عمان و بحرین دخالت کرده بود.

رهبری در این بیانیه به درستی بر این حقیقت صحه می‌گذارند که آنچه در ایران سال ۵۷ اتفاق افتاد نوعی قیام علیه سلطه‌گران و مزدوران رژیم پهلوی بود، آن هم در شرایطی که فضا اصلاً برای انقلاب مساعد نبود چون ایشان بین انقلاب ما و انقلاب‌های فرانسه، روسیه و هند مقایسه می‌کنند.

شما هم در این باره مطالعات تطبیقی داشته‌اید؟ اگر از زاویه تطبیقی نگاه کنیم چه تمایزهایی به چشم می‌آید؟

این کار را در کتاب «انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب روسیه و فرانسه» انجام داده‌ام. تاکنون ۲۵ جلد درباره انقلاب اسلامی نوشته‌ام و همین کتاب به توصیه حضرت امام نوشته شد. آنجا که امام فرمودند ایران را با انقلاب‌های دنیا مقایسه کنید.

به شخص شما؟

خیر، توصیه عمومی بود و به عنوان نویسنده و تئوریسین انقلاب دیدم برای من واجب عینی است که این کار را انجام دهم، بنابراین شش سال کار کردم و رفتم کشورهای مختلف و کتابخانه‌های گوناگون را زیر و رو کردم و همه منابع مربوط به انقلاب‌های دیگر مخصوصاً فرانسه و روسیه را به دست آوردم و نهایتاً کتابی شد که ۱۰ نوبت چاپ شده است.

نگاه تطبیقی رهبری در این باره چیست؟

حضرت آقا اشاره کرد که انقلاب‌های دیگر در شرایطی به وجود آمد که رژیم قبلی در آن کشورها از حیث نظامی، اقتصادی، سیاسی و حمایت‌های بین‌المللی در موضع ضعف قرار داشتند. من مستندات این گفته را با نگاهی به انقلاب فرانسه و روسیه در کتابم آورده‌ام که لویی شانزدهم در فرانسه بعد از ۲۸ سال جنگ تمام عیار که در همه هم شکست خورد با قیام افسران شکست خورده علیه خود مواجه شد، در حالی که خزانه خالی بود و حکومت سود قروض خود را نمی‌توانست پرداخت کند و از لحاظ بین‌المللی هم در ضعف بود چون با همه دولت‌های اروپایی در جنگ بود از جمله اسپانیا، انگلیس، پروس و روسیه، بنابراین آن دولت‌های خارجی حامی انقلابی‌ها شدند. عین همین جریان در روسیه هم اتفاق افتاد، روسیه در حالی جنگ جهانی اول از آلمان‌ها شکست خورد که سربازان علیه رژیم قیام کرده بودند، آنها هم خزانه‌شان خالی بود و می‌دانید که انقلاب روسیه معروف شد به شورش نان، چون مردم نانی برای خوردن نداشتند.

و در انقلاب اسلامی؟

در انقلاب اسلامی برعکس بود. اواخر، حکومت پهلوی از لحاظ نظامی مجهز به یک ارتش وفادار و قدرتمند بود که به مدرن‌ترین سلاح‌ها مجهز شده بود، از لحاظ اقتصادی با توجه به افزایش قیمت نفت، دولت شاه نه تنها قرضی نداشت،بلکه به بسیاری از کشورها از جمله به فرانسه و انگلیس وام می‌داد، از لحاظ بین‌المللی با وجود تعارض و رقابتی که میان شرق و غرب وجود داشت هم شرق و هم غرب، هم اروپا و هم منطقه، شاه را حمایت می‌کردند و هیچ کدام حامی انقلاب اسلامی نبودند. در چنین شرایطی انقلاب اسلامی با تکیه بر مشارکت عمومی مردم یعنی توده‌ها وارد صحنه شد، در حالی که در انقلاب فرانسه فقط طبقه بورژواها بودند، در روسیه هم همین طور، در چین هم به همین منوال بود، چین انقلاب روستاییان و کشاورزان بود، اما وقتی به ایران نگاه می‌کنید می‌بینید همه اقشار مردم حتی کارمندان و حقوق بگیران دولت در انقلاب بودند، حتی سربازها به مردم پیوستند و این یکی از معجزات الهی بود، به طوری که خانم اسکاچ پل که یک امریکایی و تئوریسین انقلاب‌هاست تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی معتقد بود که انقلاب‌ها ساخته نمی‌شوند، بلکه به خاطر ضعف دولت‌های حاکم می‌آیند و بر خرابه‌های آنها مسلط می‌شوند اما وقتی انقلاب اسلامی به وجود آمد گفت نه! این انقلاب ساخته شد، نیامد، آن هم در بدترین شرایط.

آقا در بیانیه گام دوم اشاره می‌کنند کاری که در ایران روی داد یک کار عجیب و استثنایی بود و به همین علت انقلاب ما یک انقلاب استثنایی بود و با تکیه بر مکتب الهی و دین ـ آن هم در شرایطی که غربی‌ها ۳۰۰سال گفته بودند دین از سیاست جداست و مارکسیست‌ها اعلام کردند دین افیون ملت‌هاست و باید دین را در موزه تاریخ دنبال کرد ـ در چنین عصر مدرنی با تکیه بر الله اکبر و دین عاشورایی به پیروزی رسید.

آقای دکتر! شما چهره علمی و دانشگاهی هستید. وقتی تحلیل می‌کنید و از کلمه معجزه برای انقلاب استفاده می‌کنید این کلمه شاید در مجامع علمی پذیرفته نشود چون واژه‌ای است که در ساخت و ساحت دینی معنا دارد.

این مسئله را خود غربی‌ها هم مطرح کردند و گفتند این انقلاب، استثنایی است. حالا کلمه معجزه را به کار نبردند، گفتند با هیچ معیار علمی مادی‌گرایانه مطابقت ندارد. ما که معجزه را به کار می‌بریم به این معناست که با معیارهای علمی پوزیتیویستی و ماتریالیستی تطبیق ندارد اما با معیارهای الهی کاملاً تطبیق دارد.

امثال چه کسانی؟

امثال میشل فوکو و دیگران. هنگامی که انقلاب به پیروزی رسید من امریکا بودم و داشتم رساله دکتری‌ام را می‌نوشتم و واقعاً همه دانشگاهیان آنجا در بهت و حیرت بودند که چه اتفاقی دارد می‌افتد! جالب است شش ماه پیش از پیروزی انقلاب، سازمان‌های اطلاعاتی امریکا اعم از CIA و DIA اعلام کردند تا ۱۰ سال دیگر رژیم شاه حاکم است و هیچ نشانه‌ای برای ایران پیش از انقلاب موجود نیست.

شما سال‌ها روی انقلاب اسلامی ایران کار کردید. به نظرم وقتی پژوهشگر وارد عرصه تازه‌ای می‌شود انگار در دالانی تاریک دست و پا می‌زند که ابعاد آنچه پیش‌روست برای او وضوح ندارد اما با گذر از این دالان به تدریج آن وضوح به اندازه واقع بینی و تیزبینی بر پژوهشگر عیان می‌شود وگرنه آنچه خواهد ماند جمع آوری و انباشتگی نظریه‌هاست. آقای دکتر! کشف شما درباره انقلاب اسلامی چه بود؟

من نظریه‌ای در این باره ارائه دادم که با نظریات سایر تئوریسین‌ها متفاوت بود. من گفتم هر زمانی که سه عنصر لازم برای انقلاب با هم پیوند بخورد امکان پیروزی انقلاب هست. در ایران این سه عنصر عبارتند از رهبری، مکتب و مردم. دقیقاً مثل وجود یک انسان که از سه عنصر تشکیل شده است؛ جسم یا همان سلول‌ها ـ مردم ـ روح که همان مکتب است و مغز که رهبری است. این را من تئوریزه کردم که الان هم به عنوان ارکان سه‌گانه انقلاب در ایران جا افتاده است، در حالی که در تئوری‌های غربگرایانه چنین چیزی وجود ندارد مثلاً نگاه «کرین برینتون» به انقلاب به عنوان اپیدمی است، بنابراین موضع منفی می‌گیرد و می‌گوید اپیدمی‌ای وارد بدن جامعه می‌شود، مدتی ایجاد تب می‌کند و مریضی و بعد جامعه به حالت اولیه یا ترمیدور – Thermidor برمی‌گردد.

این پروسه درباره انقلاب ایران صادق بود؟

در انقلاب اسلامی ایران اصلاً چنین چیزی نبود.

چرا؟

در ایران آن سه رکن کاملاً قدرتمند بود. رهبری کاملاً کاریزماتیک بود اما توجه کنید که مهم‌تر از آن حالت کاریزماتیک، مشروعیت داشتن رهبری بود. مردم مرجعیت را رهبر مشروعی می‌دانند، حلال او را حلال خدا و حرام او را حرام خدا می‌دانند و امام از میان مراجع توانست به این موقعیت برسد.

دوم اینکه مکتب ما با توجه به پیشینه‌ای که داشته به ویژه از قیام امام حسین(ع) تا به امروز معارض با نظام‌ها بوده، آن جمله معروف کل ارض کربلا کل یوم عاشورا در ذهن همه مردم مستقر بوده است. جالب است که نهضت ما با عاشورا شروع و با عاشورا به سرانجام رسیده است و این فهمی درون فرهنگی و درون مکتبی بود که من با مطالعه به آن رسیدم، لذا تئوری پردازی کردم و بین شش تحول و دگرگونی فرق گذاشتم.

شش دگرگونی در جامعه؟

بله، مثلاً رفرم، انقلاب نیست. من نهضت مشروطه را انقلاب مشروطه نمی‌نامم. رفرمی بود به دست حاکم وقت آن موقع، مظفرالدین شاه ولی تحول انقلابی به وجود نیاورد.

و سویه‌های دیگر؟

کودتاهایی که صورت می‌گیرد ولی انقلاب نیست. در مصر کودتای ناصر، در لیبی کودتای قذافی که به آنها هم انقلاب می‌گفتند اما انقلاب نبود. یا نهضت‌های استقلال‌طلبانه در الجزایر که انقلاب نبود. در واقع مهم این بود که خارجی بر آنها حاکم نباشد، در حالی که انقلاب تحول عظیم و نقطه عطف غیر قابل چشم‌پوشی است. شما نگاه می‌کنید می‌بینید قبل و بعد از انقلاب، هم از لحاظ فرهنگی و هم از لحاظ سیاسی، اقتصادی و نظامی دگرگونی بزرگی ایجاد می‌کند، بنابراین انقلاب اسلامی به این دلیل استثنایی بود.

برگردیم به بیانیه گام دوم، رهبری در گام دوم انقلاب به توطئه‌ها هم می‌پردازد، شما تحلیل و تقسیم بندی‌ای در این باره دارید؟

ایشان وقتی ۴۰ سال عمر انقلاب را مرور و بیان می‌کنند از گام اول شروع می‌کنند که پیروزی انقلاب بوده و همانطور که اشاره کردید ایشان گام اول به این مسئله می‌پردازد که چه توطئه‌هایی علیه انقلاب صورت گرفته، من این دوران توطئه‌ها را به سه دوره تقسیم کرده‌ام: دوره جنگ سخت که همان ۱۰ سال اول انقلاب بود، من تحلیل و عناصر این دوره را در کتاب مدیریت بحران مطرح کرده‌ام.

دوره دوم جنگ نرم بود که ۲۰ سال طول کشید و نهایتاً با فتنه ۸۸ مواجه و در ۹ دی خنثی شد که آقا می‌فرمایند یوم الله ۹ دی و سومین دوره، دوره نفوذ و فشار حداکثری که با این ۴۰ سال به آخر رسید و بحمدالله دشمن در همه این دوره‌ها ناکام ماند. خب اینها امیدوار بودند که انقلاب در همان سال‌های اول به فروپاشی برسد و اگر احصا کنیم در همان ۱۰سال اول دوره جنگ سخت، ۱۷ توطئه براندازانه طراحی و اجرا کردند.

منظورتان مثلاً کشمکش‌های قومی است؟

من اینها را در پنج مقوله بیان کرده‌ام و منازعات قومی ـ خلق کُرد، بلوچ، ترکمن و عرب ـ یکی از آن مقوله‌هاست، مثلاً می‌آیند نگاه می‌کنند به اینکه ایران از تنوع قومی بزرگی برخوردار است، بنابراین از تنوع قومی استفاده می‌شود که آن تمامیت ارضی را تحت‌الشعاع قرار دهند.

چرا با وجود سرمایه‌گذاری سنگین در این حوزه موفق نمی‌شوند؟

آنها به دنبال تجزیه ایران بودند غافل از اینکه تنوع قومی برای ما یک فرصت است نه تهدید، چون تمام اقوام خود را ایرانی و مسلمان می‌دانند، این نخ تسبیح و فصل مشترک و پیونددهنده ما به همدیگر است، از همین روست که ما جنگ قومی در این کشور نداشتیم.

و کودتاها...

بله، سه کودتا کردند که با شکست مواجه شد. کودتای نوژه، کودتای قطب‌زاده ـ شریعتمداری و کودتای حزب توده که همه در نطفه خنثی شد.

آن گونه‌های دیگر چه بود؟

جنگ‌های تجاوزکارانه، هم حادثه طبس و هم جنگ تحمیلی و ترورهای زیادی که صورت دادند از فرقان و منافقین و ... فکر می‌کردند اگر سران کشور را با ترور حذف کنند انقلاب تمام می‌شود و به یک معنا و در یک سطحی درست فکر می‌کردند. به عنوان تحلیلگر روابط بین‌الملل اگر یک نمونه از این توطئه‌ها در کشور دیگری که ثابت و پابرجاست صورت می‌گرفت آن دولت نابود شده بود، در حالی که انقلاب ما همه این فتنه‌ها را پشت سر گذاشت.

آقا در بیانیه دوم انقلاب می‌خواهند بفرمایند ما دوره سختی را از سر گذرانده و الان به موقعیتی قدرتمند رسیده‌ایم و گام دوم را باید با قدرت به سمت پیروزی نهایی برداریم. می‌فرمایند ما در حال صعود هستیم اما به قله نرسیده‌ایم.

مصداق عینی این نظر رهبری کجاست؟

من وقتی نگاه می‌کنم می‌بینم ما در دوره چهل ساله انقلاب در برابر دشمنانمان حالت تدافعی داشته‌ایم اما از دوره دوم انقلاب حالت تهاجمی پیدا کرده‌ایم. ما در مواقعی به امریکا حمله کرده‌ایم، مثل ماجرای عین الاسد که بعد از ترور شهید قاسم سلیمانی برای اولین بار کشوری جرئت می‌کند به پایگاه نظامی امریکا ضربه بزند و مهم‌تر از آن امریکا جرئت نمی‌کند جواب دهد یا ما جرئت می‌کنیم پنج کشتی نفتکش را در حیاط خلوت و بیخ گوش امریکا به ونزوئلا بفرستیم و امریکا نمی‌تواند نگاه چپ کند. یا پهپاد امریکایی را در خلیج فارس می‌زنیم تازه تشکر می‌کنند که ما آن هواپیمای حامل افسران امریکایی را ساقط نکرده‌ایم و دیدید که آقای کنت مکنزی، فرمانده سنتکام در خاورمیانه می‌گوید ایران به قدرتی رسیده که ما دیگر به آن قدرت دسترسی نداریم.

چرا قدرت انقلاب اسلامی برای برخی آنگونه که باید در داخل حس نمی‌شود؟

بستگی به نگاه ما دارد. گاهی ما در برابر واقعیت مقاومت می‌کنیم و این مقاومت در نگاه ماست. این موضوع را کسانی که وارد انقلاب شدند و برای انقلاب خون دادند خیلی خوب احساس می‌کنند اما عده‌ای هستند که وارد انقلاب نشدند حتی از نخبگان، بنابراین درک لازم از این مسئله ندارند و همچنان نگاهشان به غرب است. البته من اعتقاد دارم اکثریت جامعه ما این فهم را دارند. اگر مردم سنگینی توطئه‌ها را احساس نمی‌کردند آن‌طور میلیونی در تشییع جنازه حاج قاسم سلیمانی شرکت نمی‌کردند.

نگاهی که در برابر واقعیت مقاومت می‌کند از چه ویژگی برخوردار است؟

ما دو نوع نگاه داریم: خرد و کلان. متأسفانه عده‌ای فقط نگاه خرد دارند و وقتی می‌بینند گوشت گران شد یا نتوانستند اجاره خانه را بدهند می‌گویند انقلاب نابود شد.

و فساد و اختلاس آقازاده‌ها...

تفاوت اینجاست که فساد در رژیم شاه، سیستماتیک و از رأس تا پایین بود. من ۳۹ سال در رژیم شاه زندگی کردم. شغل و پست قیمت داشت. اگر کسی می‌خواست وزیر شود ماهانه به شاه مبلغ معینی می‌داد، کسی می‌خواست مدیرکل شود باید به وزیر مبلغی می‌داد، کسی که می‌خواست وکیل شود و...

ولی ممکن است برخی بگویند الان هم در فساد و زد و بند و رانت وجود دارد.

اینها هست، اما به این معنا نیست که سیستماتیک شده است. در همین نظام امثال حقیر می‌آیند معاون وزیر می‌شوند، من در چهار وزارتخانه معاون وزیر بودم و افرادی مثل من بسیار هستند. نه سفارش شدم و نه روحانی‌ای در خانواده ما بود. اوایل انقلاب وقتی فرماندار خرمشهر شدم از من دعوت کردند. تازه از امریکا آمده بودم. وقتی صحبت از استانداری سیستان و بلوچستان شد تازه شرط کردم.

شرط‌تان چه بود؟

مثلاً من فرماندار خرمشهر شده بودم، تیمسار مدنی استاندار بود. گفتم من به سلیقه و عقاید خود عمل می‌کنم، بنابراین انتظار نداشته باشید دستورات شما را اجرا کنم. معاون میرحسین موسوی شدم اما با او هم شرط کردم که من خط انقلاب و امام را می‌روم.

چه معاونتی؟

رئیس دفتر خدمات حقوق بین‌الملل و معاون نخست‌وزیر. می‌خواهم این را در پاسخ ابهامی که طرح کردید بگویم که مهم این است زمینه کار با ظهور انقلاب فراهم شد. البته یک عده در این سیستم وسوسه شدند دنبال منافع شخصی خود بروند که اغلب ضرر کردند.

آقای دکتر! آیا فکر نمی‌کنید علت اینکه ما قدرت انقلاب را حس نمی‌کنیم در این باشد که نخواستیم یا نتوانستیم تصویر کلانی از انقلاب بدهیم، یعنی آن اجزا درست کنار هم چیده نشد تا ما همه آنچه را که اتفاق افتاد در ابعاد واقعی آن ببینیم و بعد به قضاوت بنشینیم؟

احسنت! حضرت آقا در گام دوم سعی کرد ضمن اعتراف به اشکالاتی که در سیستم وجود دارد تصویر کلان ارائه کند. ما اول انقلاب نهال تازه روییده بودیم و امریکا و شوروی دو ابرقدرت که با سلاح‌های هسته‌ای‌شان ۲۰ بار می‌توانستند جهان را با خاک یکسان کنند اما این نونهال مقابل آنها ایستاد. یکی از این ابرقدرت‌ها که دچار فروپاشی شد و یکی از آنها هم در حال افول است، خودشان هم اعتراف می‌کنند.

وقتی به توفیقات علمی نگاه می‌کنید می‌بینید ما قبل از انقلاب کجا بودیم، الان در رده دهم حوزه‌های علمی جدید هستیم.

منتها یادتان باشد که دشمن کارش این است که روی کمبودها سرمایه‌گذاری می‌کند و در این زمینه طرح دارد. به تازگی ۱۰ فرمان صادر کردند و به این جمع بندی رسیدند که نمی‌توانند ایران را ساقط کنند، بنابراین روی نسل جوان کار می‌کنند که موفقیت‌های بزرگ را کوچک کنند یا نادیده بگیرند. در همین جریان کرونا دیدید که حتی در امریکا و اروپا میزان فوتی‌های روزانه بسیار بالا بود اما ما با وجود همه تحریم‌ها آمار فوتی‌ها را خیلی کم کردیم.

بزرگ‌ترین چالش در فهم اجزای پازل انقلاب چیست؟

تحریف و قلب واقعیت در جریان کارناوال‌ها و جریان‌های تبلیغاتی ـ رسانه‌ای دشمن. مثال می‌زنم. به عنوان یک دیپلمات می‌گویم در سفر مسکو بهترین استقبال از آقای رئیسی شد، وسط مذاکره آقای رئیسی می‌گوید من نماز می‌خوانم و پوتین می‌گوید منتظر شما می‌نشینم و ۱۰دقیقه منتظر می‌نشیند یا احترام در فرودگاه فوق‌العاده استثنایی بود، در حالی که در سفر مکرون به فرانسه مدیرکل تشریفات به استقبال رفته بود.

با این حال متأسفانه عده‌ای هنوز از لاک خودتحقیری بیرون

> این مسئله را خود غربی‌ها هم مطرح کردند و گفتند این انقلاب، استثنایی است. حالا کلمه معجزه را به کار نبردند، گفتند با هیچ معیار علمی مادی‌گرایانه مطابقت ندارد. ما که معجزه را به کار می‌بریم به این معناست که با معیارهای علمی پوزیتیویستی و ماتریالیستی تطبیق ندارد اما با معیارهای الهی کاملاً تطبیق دارد

> متأسفانه عده‌ای هنوز از لاک خودتحقیری بیرون نیامده‌اند. دشمن صد سال در این زمینه کار کرد که القا کند شما ملت ضعیفی هستید که یک لولهنگ هم نمی‌توانید بسازید، همان حرفی که تقی‌زاده گفت اگر می‌خواهید آدم بشوید از فرق سر تا نوک پا باید غربی شوید